|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:.روابط عمومی...................ترم:.....اول......سال تحصیلی: 1398- 1399 نام درس:...روان شناسی اجتماعی....... نام ونام خانوادگی مدرس:.......آزاده نجفی.....................................آدرس emailمدرس:.................drnajafi.99. تلفن همراه مدرس09122832242 |
| جزوه درس:......روان شناسی اجتماعی مربوط به هفته : اول🞎 دوم 🞎سوم  text: دارد 🞎ندارد🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎تلفن همراه مدیر گروه : ......................................09124058720...... **جلسه پنجم****6-تحقیق آزمایشی** : خیلی دقیق است زیرا که انسانها را یکی یکی مورد آزمایش قرار میدهیم و بهترین و دقیق ترین نوع تحقیق است . شامل دو گروه است :1 -گروه آزمایش : متغییر مستقل بر روی آن پیدا می شود\*2-گروه کنترل : که این در کلیه جنبه ها شبیه گروه آزمایش هستند با این تفاوت که متغیر مستقل بر روی آنها اجرا نمیشود **ویژگیهای تحقیق آزمایشی**: 1 -کنترل : برای این کار می توان از گروه دومی در آزمایش به نام گروه کنترل استفاده نمود که این گروه در کلیه جنبه ها شبیه گروه آزمایش هستند با این تفاوت که متغیر مستقل برای گروه کنترل اجرا نمی شود 2تکرار آزمایش : باید شرایط آزمایش ( زمان ، مکان و آزمایش شوندگان یکی باشد وهر دو یا سه ماه یکبار انجام شود ) .انتخاب تصادفی : از میان گروهی که خواهان شرکت در آزمایش باشند ، انتخاب تصادفی می کنیم و نیمی از آنها را جهت آزمایش و نیمی دیگر را جهت کنترل قرار میدهیم . یک روش درمانی خاص برای درمان افسردگی گروه آزمایش درمان خاص افسردگی، درآن ها اجرا می شود و گروه کنترل آن درمان را اجرا نمی کنیم . بعد دو گروه را بررسی کرده و مقایسه میکنند درمان خاص در گروه آزمایش تاثیر کرده باشد و حال بهتری پیدا کردند یا خیر. و این آزمایش را با همین شرایط و با همین اشخاص در دوره های مختلف ( دو یا سه ماه دیگر ) مجددا انجام میدهیم تا به نتایج یکسان برسند و تحقیق ما دارای( پایایی )تکرار پذیری است .یادگیری چیست؟ هنوز تعریف واحدی از یادگیری ارائه نشده است و دانشمندان و محققان، دیدگاه ها و نظریات مختلفی را بیان کردند . یادگیری تغییر نسبتا پایداری است که بر اثر تجربه به وجود می آید اما تقریبا می توان گفت سه ویژگی مشترک بین همه دیدگاه ها دربارۀ یادگیری وجود دارد، و زمانی که یادگیری رخ می دهد، این سه ویژگی را با خود همراه دارد . تغییر نسبتا پایدارتجربه یادگیری تغییر نسبتا پایداری است که بر اثر تجربه به وجود می آید اولین و مهمترین ویژگی تغییر است. لطفا به همه آن چیزی که یاد گرفته اید فکر کنید. آیا غیر از این است که در همه آنها تغییری حداقل در یکی از ویژگی های شناختی، ذهنی و رفتار شما رخ داده است؟ مطمئنا خیر. وقتی رانندگی یاد می گیریم **یعنی به مهارت های مان اضافه شده و تغییری در رفتارمان رخ داده است**. یادگیری تغییر نسبتا پایداری است که بر اثر تجربه به وجود می آید دومین ویژگی، نسبتا پایدار بودن یادگیری است. تغییری که دربارۀ آن صحبت کردیم، لحظه ای نباشد. یعنی چیزهایی که بطور لحظه ای به خاطر می سپاریم را نمی توان یادگیری قلمداد کرد. **رفتار یادگرفته شده و تغییر انجام شده باید برای مدتی دوام داشته باشد.** یادگیری تغییر نسبتا پایداری است که بر اثر تجربه به وجود می آید سومین ویژگی تجربه است یادگیری بر اثر تجربه رخ می دهد. **یعنی زمانی که ما تعاملی با محیط بیرون از خود داشته باشیم**. برای مثال ما آداب معاشرت را از طرق مختلفی چون تعامل و ارتباط با والدین و افراد جامعه و یا حتی از مطالعه و اطالعاتی که کسب می کنیم، یاد می گیریم. بنابراین اگر هیچ گونه تجربه ای که همان تعامل و ارتباط ذهنی و جسمی فراتر از خود نداشته باشیم یاد نخواهیم گرفتتغییر نسبتا پایدار در رفتار که بر **اثر تجربه در تواناییهای بالقوه فرد بوجود می آید** نقش یادگیری در همه صحنه های زندگی نمایان است. یادگیری تنها آموختن مهارتی خاص با مطالب درسی نیست؛ **بلکه در رشد هیجانی ، رشد شخصیتی ، تعامل اجتماعی انسان دخالت دارد**. انسان یاد میگیرد که از چه چیزی بترسد، چه چیزی را دوست بدارد و کجا چگونه رفتار کند. در واقع نوزاد از همان لحظه تولد درگیر فرآیند یادگیری میشود و این توانایی است که باعث پیشرفت و تفاوت روزانه او تفاوت انسانهای یک نسل از انسانهای نسل قبل از خودشان میشود سه مکانیسم برای وقوع یادگیری الزم است : 1-شرطی سازی: تداعی یا شرطی پاسخگر سگ پاولوف با صدای زنگ ترشح بزاق همراه بود 2 -تقویت یا شرطی کنشگر: مردم یاد می گیرند در برابر رفتار خاص واکنش خاص نشان دهند (سلام کردن) تقویت مثبت (تشویق) افزایش بروز رفتارو تقویت منفی (تنبیه)کاهش بروزرفتار 3-تقلید یا یادگیری مشاهده ای: مردم غالب نگرشهای اجتماعی را صرفا با مشاهده نگرشها و رفتارهای دیگران می آموزند خوردن\* خوابیدن\* راه رفتن  –شرطی سازی: ترشح بزاق نوعی پاسخ طبیعی به غذاست؛ هرگاه پاولف پودر گوشت (محرک طبیعی، غیرشرطی) را به سگ گرسنه میداد، (بزاق سگ )پاسخ طبیعی ترشح میشد. پاولف پس از مدتی متوجه شد که حتی اگر غذایی به همراه نداشته باشد، با دیدن او بزاق سگ ترشح میشود. پاولف بر این اساس آزمایشی را طراحی کرد. او همزمان با دادن پودر گوشت زنگی را به صدا درمی آورد. صدای زنگ محرکی بود که ارتباطی با غذا نداشت و به تنهایی برای سگ بی مفهوم بود؛ امّا به دنبال تکرار این کار، سگ بین صدای زنگ و غذا ارتباط برقرار کرد؛ به طوری که با صدای زنگ، حتی بدون وجود غذا بزاق او ترشح میشد. به عبارتی سگ نسبت به همراه بودن صدای زنگ و پودر گوشت، شرطی شده بود حافظه و یادگیری به نظر میرسد انسان هر چه دارد )منظور پیشرفتها( از برکت وجود حافظه Memory دارد. در واقع اگر حافظه نبود، شواهدی هم برای وجود یادگیری در دسترس نبود. گفته شده اگر حافظه نبود انسان مجبور بود هر لحظه و هر روز روشن کردن آتش را یاد بگیرد. بدین ترتیب حافظه و یادگیری بطور جداییناپذیری باهم ارتباط دارند. حافظه ، یادگیری را با ذخیره کردن تجربیات و یکپارچه کردن آنها تسهیل میکند حافظه در حافظه انسان هیچ چیزی پاک نمی شود، فقط در مواردی فراموش می شود. رویدادها اگر با موضوع مهم یا هیجان خاصی تداعی داشته باشند ساده تر به یاد آورده میشوند. همچنین اتفاقات فراموش شده را با استفاده از هیپنوتیسم می توان به یاد آورد. حافظه با هیجان ارتباط نزدیک دارد و اگر هیجان از ساختار حافظه انسان گرفته شود همه چیز از بین می رود. مطالبی را که یادآوری میکنیم با توجه به زمان یادآوری میتواند مربوط به دو نوع مختلف حافظه می باشد. دانش آموزی را تصور کنید که در کالس درس مطالبی را در مورد موضوعی یاد میگیرد، مثال نام یک آتشفشان یا پایتخت یک کشور و ... . زمانی که بلافاصله و در همان کلاس درسسوالاتی از این مطالب از وی میشود، در پاسخگویی به آن از حافظه کوتاه مدت خود استفاده میکند، ولی زمانی که سوالت در جلسه بعد و چند روز دیگر از او پرسیده میشود و او پاسخ میدهد، در واقع از حافظه دراز مدت خود استفاده کرده است. وقتی ما مطلبی را بلافاصله بعد از شنیدن آن به خاطر میآوریم، یادآوری آن کار آسانی خواهد بود و به سهولت انجام خواهد گرفت، اما زمانی که مدتی از شنیدن مطلب میگذرد و تلاش میکنیم آن را یاد بیاوریم، با مشکل بیشتری روبرو خواهیم شد. زمانی که ما بلافاصله مطالب را یادآوری میکنیم، در واقع از دانش فعال خود که هنوز در سطح هوشیاری ما قرار دارد، استفاده میکنیم، ولی زمانی که مدتی بعد از شنیدن مطالب قصد یادآوری آنها را میکنیم، دانشی که از آن استفاده میکنیم، نافعال است. با این توصیف در تقسیم بندی هایی که از حافظه به عمل آمده، آن را به دو نوع حافظه کوتاه مدت و دراز مدت تقسیم بندی کرده اند. تفاوت این دو نوع حافظه عمدتا به مدت زمان نگهداری اطلاعات مربوط میشود. هرچند تفاوتهای دیگری نیز با یکدیگر دارند. مطالعات نشان داده اند که آدمی انواع مختلفی از حافظه Memory را دارد. اینکه »اطلاعات برای مدت زمان کوتاهی ذخیره می شوند یا برای مدت زمان بلند« باعث تقسیم حافظه به انواع »حافظه کوتاه مدت« Short-Term Memory و حافظه بلند مدت Long-Term Memory شده است. با وجود این تقسیم آنها برای ذخیره کردن اطلاعات مراحل سه گانه حافظه را اجرا میکنند، البته به شیوه ها و ساختارهای مختلف این کار را انجام میدهند. نکته دیگر آنکه در بعضی از مطالعات و منابع از حافظه نوع سومی نیز به نام »حافظه حسی« Sensory Memory صحبت میشود. حافظهی حسی، حافظه ای فرّار است که کمتر از نیم ثانیه ماندگاری دارد. این حافظه به شما امکان میدهد که یک تصویر، صدا یا سایر حسها را به صورت تقریبا تصویری در خاطر حفظ کنید. این تصاویر فوقالعاده فرّار، بلافاصله به حافظه کوتاه مدت منتقل میشوند. حافظه کوتاه مدت به عنوان فیلتر و یک مخزن ذخیرهی کوتاه مدت عمل میکند. خاطرات حسی در این حافظه فیلتر شده، سپس یا فراموش میشوند و یا در حافظهی بلندمدت قرار میگیرند. حافظهی بلندمدت جایی برای ثبت همیشگیِ اطلاعاتی است که ارزشمند تشخیص داده شده اند. برخالف حافظهی حسی و کوتاه مدت، حافظهی بلندمدت قادر است مقادیر نامحدود اطالعات را برای مدت نامحدود ذخیره کند. انواع حافظه )حسی، کوتاه مدت، بلند مدت( Memory Sensory حافظه ی حسی: اطلاعات یک محرک، بدون تغییر وارد حافظه ی حسی میشوند. در حافظه ی حسی نسخه ی دقیقی از اطلاعات حسی ذخیره میشود البته حواس دیداری و شنیداری بیشترین مقدار اطلات محیطی را به ما می رسانند. حافظه ی حسی منطبق با حس بینایی را مخزن تصویری و حافظه ی حسی منطبق با حس شنوایی را مخزن پژواکی می نامند. ما در هر لحظه اطالاعاتی بسیار فراتر از آنچه بتوانیم به یاد آوریم و دریافت میکنیم. با این حال تنها اطلاعاتی که مورد توجه ما قرار میگیرند وارد حافظه ی کوتاه مدت میشوند و بقیه ی اطلاعات از حافظه ی حسی حذف یا فراموش میشوند. پس نخستین عامل مهم در یادگیری، توجه یا دقت است   |